

ترجمان پژواک مدرنیته در بافت تاریخی شهرهای ایرانی اسلامی؛ نمونه موردی: شیراز

انسترن نژداهی، آدکتر محمدرضا پورجعفر

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، najdaghi@ut.ac.ir

استاد دانشگاه تربیت مدرس، pourja_m@modares.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر در پی تبیین ماهیت اقداماتی است که طی دهه های اخیر در یکتا بافت پیوسته تاریخی به جا مانده در شهرهای ایران با هدف مداخله به منظور ساماندهی آن صورت گرفته و گاه نقش روزآمد سازی را در آن ایفا کرده است. بافت تاریخی شهر شیراز با مساحت ۳۶۰ هکتار واقع در مرکزیت هندسی این شهر پیش از آغاز مداخلات سه دهه گذشته، طی قرن ها از گزند آسیب ها و تخریب های بزرگ مقیاس به دور مانده بود و مصداق پایداری در کالبد و عملکرد بافت قدیم شهری محسوب میشد. از این رو لزوم رمزگشایی این پایداری و بقا در زمان جهت استفاده در فرآیند برنامه ریزی آتی آن رخ می نماید. هرچند اقدامات پراکنده ای هم که در این بافت روی داده، تداعی کننده هجمه مدرنیته در شهر است و کوچکترین اثری از توجه به بستر طرح های انجام شده و هویت تاریخی شیراز، اصول نظام دهنده سازمان فضایی و کالبدی آن و همچنین نقش اجتماعات محلی و ساکنین این بافت در آنها به چشم نمی خورد. با توجه به اقبال مدیریت شهری طی سالهای اخیر به این محدوده از شهر و تغییر نگاه از میراث فرهنگی به ثروت، در این پژوهش سعی بر این بوده است اثرات مداخلات صورت گرفته در این بافت که تحت تاثیر دیدگاه های مدرنیستی بوقوع پیوسته است تحلیل گردد تا بتوان با مقایسه با رویکرد بازآفرینی پایدار به برنامه ریزی مداخلات آتی دست یافت. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. آنچه در این پژوهش صورت پذیرفته شناخت مولفه ها و پتانسیل های کارآمدی بافت تاریخی شهر شیراز در شرایط معاصر است تا بتوان به پایداری آن که به تبع آن هویت شهر به جا خواهد ماند، کمک نمود.

واژه های کلیدی:

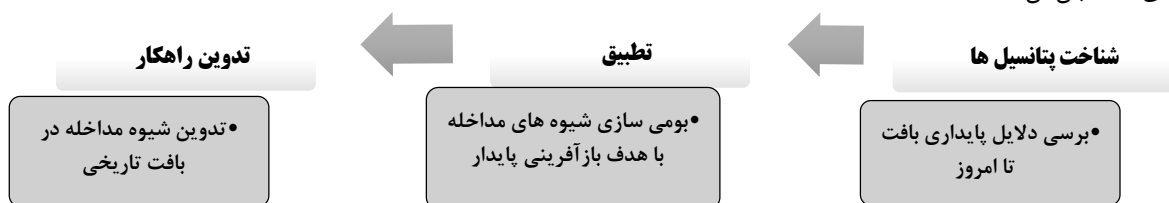
مدرنیته - بافت تاریخی - شیراز - بازآفرینی پایدار

۱. مقدمه

شهر به مثابه عرصه نمایش مظاهر تمدن انسان، در تاریخ حیات خود، مکانی را تداعی می کند که کالبد متکثر دارد و عملکرد مختلط، معنا می آفریند و گاه از معنا تهی می گردد. شهر بیش از آنکه خالق باشد، مخلوق انسان است. اما به این اعتبار که حاصل برآیند انواع نیروهای سامان بخش به آن است، منشا اثر می باشد. نیروهای موثر در فرآیند شکل دهی به شهر در وهله اول مدیریت کلان شهری است و حکمرانان کشوری و در کنار آن مالکان بخش

خصوصی هستند که در بهترین حالت با کلیت یکپارچه بخشی از شهر مواجه می شوند و در اغلب حالات قطعه به قطعه از قطعات ملکی شهر را به مرور زمان تغییر می دهند. محدوده های بافت تاریخی شهرها به اعتبار ریشه ای که در خاک دوانده اند، نشانگر این مهم هستند که به اعتبار ماندگاری شان در زمان، واجد شاخصه های پایداری می باشند. با شناخت مولفه های پایدار کننده این بخش از هویت کالبدی و فرهنگی شهرها، می توان به برنامه ریزی و ساخت و ساز در پهنه های نوین شهر دست یافت. همزمان با ورود مولفه های مدرن چه در قالب عملکردهای نوین یا کالبد معماری مدرن و یا تکنولوژی های نوین خلق فضا در شهر، بایستی بستر موجود تماما شناخته شود، نقاط قوت قابل روزآمد شدن یا نقاط ضعف نیازمند اصلاح نیز به تبع آن بایستی مشخص شود تا بتوان از هویت وجودی آن در برابر هجمه وقوع امر مدرن محافظت کرد. کالبد و عملکرد مدرن اگر به شکلی که تا امروز فرصت بروز یافته، به شکل پروژه ای ناتمام، بافت تاریخی را ناکارآمد دانسته و در پی بلعیدن (مداخله با هدف تخریب) آن باشد، نتیجه آن خواهد بود که امروز در شهر شیراز بوقوع می پیوندد. علیرغم سال ها مقاومت و پابر جایی محدوده بافت تاریخی و فرهنگی، مداخلات گسترده ای را شاهد هستیم که عمدتاً با حمایت مجموعه های دولتی اتفاق می افتد و منجر به تخریب و بازسازی محدوده هایی ارزشمند از آن می شود. از جمله مهم ترین دغدغه های موجود در بافت، مسئله دسترسی هاست که با توجه به گستردگی پهنه آن و دربرگیری طیف متفاوتی از مخاطبان که شامل: زائران، گردشگران، خریداران و ساکنان، می شود و از آنجایی که مساله تردد وسایل نقلیه به مثابه نماد ورود مدرنیته به ایران است، بایستی پیش از تخریب بافت به نفع تامين دسترسی نظیر آنچه پیشتر در شهرهای مشهد، اصفهان، تهران و یزد اتفاق افتاده است، چاره ای اندیشیده شود تا ضمن حفظ هویت بافت، به نیازهای مخاطبان پیاده یا سواره این فضا، پاسخ درخور ارائه گردد. همچنین معضل دوم، بافت اجتماعی ساکنان در آن است که امروزه به دلیل عدم ورود مظاهر مدرنیته در پهنه سکونتی آن، از سکنه خالی شده و عمدتاً قشر مهاجرین افغان و یا افراد آسیب دیده اجتماعی در آن ساکن هستند که خود بخود امنیت بافت را کاهش داده است. در پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه های پایداری بافت تاریخی شهر شیراز به ارزیابی مداخله در بافت تاریخی شهر شیراز پرداخته شده است با این فرض که: « با شناخت آنچه تا امروز بافت تاریخی فرهنگی شهر شیراز را در طول

تاریخ زنده نگاه داشته است، می توان به روزآمد کردن عملکردها و تقویت کالبد آن، دست یافت و در نهایت فضا را متناسب کرد با نیازهای مخاطبان آن.»



شکل ۱: فرآیند انجام پژوهش

۲. مبانی نظری پژوهش؛ تعاریف و مفاهیم

کهن خرقة ی خویش پیراستن به از جامه ی عاریت خواستن

۱.۲. رابطه سنت و مدرنیته در شهر

در توضیح و تشریح رابطه سنت و مدرنیته در شهر، در ابتدا لازم است چپستی امر مدرن تبیین گردد و پس از شناخت ابعاد و مفهوم آن، به تأثیری که در مقابل سنت و فرهنگ حاکم در شهر موجود گذاشته است و نتیجه ای که حاصل شده پرداخته شود. با این هدف آنچه در ادامه ارائه گردیده است پس از تبیین مفهوم امر مدرن و بررسی دیدگاه های اندیشمندان معاصر که با دو رویکرد متقابل سنت گرایی و نوگرایی، به تشریح ارتباط سنت و امر مدرن در باب نظری پرداخته اند، تبیین چگونگی رویارویی این دوگانه را در شهر از دیدگاه پژوهشگران معاصر صورت گرفته است. تا بتوان با شناخت شرایط موجود به انتخاب راهکاری مناسب برای اقدامات آتی در زمینه برنامه ریزی و مدیریت شهری، دست یافت.

۲.۲. محصول رویارویی سنت و مدرنیته در شهر ایرانی -

اسلامی؛ در جستجوی فضاهای گمشده

به منظور تبیین رابطه سنت با امر مدرن با بررسی دیدگاه های اندیشمندان معاصر از دو طیف سنت گرایان و نوگرایان بایستی مولفه های ارزشمندی هر یک مشخص شود و پاسخ به مسائلی نظیر اینکه آیا برای متجدد شدن باید با سنت وداع کرد؟ و یا اینکه آیا نمی توان هم متجدد بود و هم سنتی؟ به وضوح بازتعریف شوند. بنابر عقیده سنت گرایانی همچون داوری اردکانی مسیر طی شده دنیای غرب در نیل به مدرنیته و صنعت، منجر به تبلور مدرنیته به مثابه امری درونی و جوهری شده است؛ نه امری اکتسابی و خارج از سنت های فکری و فرهنگی غرب. بنابراین پرسش این است که تجدد و سنت در چه لحظه ای، به هم می پیوندند و یکدیگر را کامل می کنند؟ داوری اشاره می کند که نسبت میان سنت و تجدد یک مسئله تاریخی است و فقط یک بحث نظری و عملی نیست، بلکه آن را با آزمایش تاریخی می توان درک کرد. چنین نگاهی به گذشته سنت و کاوش در ماهیت آن ما را از نگاه تک بعدی بری می سازد. مدعای چنین برداشتی، آگاهی از صنعتی شدن غرب برپایه ستون های سنت خود است. گام های مؤثر برای رسیدن به توسعه نه بر

حذف سنت، که برپایه قبول وجوه مؤثر آن است. نگاه تک بعدی و حذفی به داشته های خود، نه تنها توسعه را دربر نخواهد داشت، که زنجیرهای وابستگی را برپای رشد و پویایی یک جامعه، می زند. (داوری اردکانی، ۱۳۸۴)

تبع این نوع تفکر است که شهر نیز بعنوان محصول انسان و در عین حال ظرف فعالیت های انسانی، بایستی بستر و آوردگاه این موزائیک فرهنگی بدر فرآیند تعامل سنت و مدرنیته بعنوان محصول رویارویی این دو در شهر ایرانی آنچه امروز در پیرامون خود میبینیم در نتیجه همنشینی سنت و مدرنیته به تعبیر شایگان، «فضاهای» برخاسته از اعصار گوناگون هستند که به هم دهن کچی می کنند، گرد آورده و در موازیک های تصادفی بر روی هم و پهلو به پهلو هم چیده شده اند. فضاهای هندسی باهوس در اندرون صدف بسته دنیای در خود فرو رفته به سرعت رخنه کرده اند و آثاری چندان شدید از خود برجای نهاده اند که اگر هم مقاومتی در برابرش انجام بگیرد، ناآگاهانه است. در جستجوی فضاهای «گمشده» در شهر معاصر، شهروند نیروی خاطره انگیز حافظه ناآگاه خویش را به کار می گیرد تا مگر تکه پاره های زنده زمانهای در خاک فروخته را باز یابد. کشف زمان - مکان جای تلاقی یک احساس حاضر و یک خاطره است. «احساس توأمان حاضر و خاطره، همان رابطه ای را با زمان دارد که دستگاه ریزبین با فضا. این جفت - احساس، توهم برجستگی زمانی می آفریند.» (شایگان، ۱۳۷۲)

به زعم اندیشمندان معاصر حوزه شهرسازی بازتاب های فضایی مدرنیته در شهر ایرانی تلفیقی از ویژگی های بومی (به ویژه متأثر از مکتب اصفهان در شهرسازی) و نیز دگورگونی های برون زاست. «تغییرات و دگورگونی های اقتصادی که تحت سلطه، فشار و خواست نیروهای خارجی و برون زا شکل می گیرند، در بیان کالبدی - فضایی خویش تحت تأثیر نیروهای فرهنگی، هنری بومی و خودی قرار می گیرند» (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۲۸، الف). رابطه سنت با امر مدرن را می توان در شهر ایرانی طی سه دوره بازخوانی کرد. در بدو ورود شکل و محتوای مدرن در بستر موجود سنتی، که همزمان با دوره قاجار در ایران صورت پذیرفت، سبک تهران متولد گردید. فضاهای شهری ایجاد شده در این سبک با قدرت و بیانی بی نظیر و آهنگین به گفت و شنود با فضاهای کهن شهری نشسته اند و در این ارتباط نمایانگر «تداوم» می باشند و نه «انقطاع». (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۵۱، الف)

سیک تهران را می توان بنا به آنچه در سفرنامه جکسن اذعان گشته سبکی دانست که در «... تمدن مختلط آن ، شرق و غرب به هم آمیخته اند و در این آمیزش تفوق با شرق است». اما با اندکی تغییر در دوره دوم در رویارویی سنت و امر مدرن در شهر ایرانی ، شاهد غلبه مدرن گرایی بر سنت در دوره پهلوی هستیم.

دولت متمرکز پهلوی که در سال ۱۳۰۴ ه.ش تشکیل شد، فرایند تحولاتی را که مشروطیت خواهان آن بود به کناری گذارد و به توسعه برونزایی با تکیه بر نیروهای خارجی روی آورد. آنچه از آن به مدرنیسم پهلوی یاد می شود که موج دوم رویارویی سنت و امر مدرن در شهر را پدید آورده است. این توسعه برونی همانگونه که از نامش پیداست، به تاریخ و سیر تحولاتی که کشورهای سرمایه داری طی کرده اند بی توجه است. به بیانی «تحسین پیشرفت و ترقیات غرب در دولت قاجار به شیفتگی به غرب در دولت پهلوی ختم می شود» (حبیبی، ۱۳۷۳ ب). از ملزومات تحقق بخشیدن به چنین توسعه ای دست زدن به تغییرات یکباره، وسیع و متمرکز است. تحولات نه از درون و از عرصه معنا، بلکه از حوزه شکل و صورت آغاز می شود. این تغییرات صوری اولین نمودهای خود را در شهر، به عنوان نماد تجدد، می یابد. این تجدد هر آنچه را که کهن است، نفی می کند. سنت ها را طرد کرده و شالوده قدیم شهر را ناکارآمد می پندارد. «دخالست سنگین در بافت و ساخت شالوده های شهری موجود، تنها با هدف ایجاد شالوده ای جدید صورت نمی پذیرد، بلکه این دخالت در پی نفی شالوده موجود است» (حبیبی، ۱۳۷۳، ب). این روند در سالهای پس از انقلاب تا دوران معاصر که دربرگیرنده موج سوم رویارویی سنت و امر مدرن است ، نیز کمابیش ادامه یافته است. با این تفاوت که در دهه های اخیر با تاسی از رویکردهای جهانی به موضوع مرمت و حفاظت شهری ، به صورت جسته و گریخته بعضا شاهد مداخلاتی در بافت های شهری بوده ایم که گاه همچون مدرنیزاسیون پهلوی عمل کرده اند و گاه رو به سمت بومی سازی امر مدرن وارداتی داشته اند.

در تاریخ معاصر مرمت و حفاظت شهری «منشور ونیز» سندی مهم به شمار می رود که در سال ۱۹۶۴ تنظیم شد و طبق آن، وظیفه ملت ها در حفظ «میراث فرهنگی» و رساندن آن به نسل های آتی تعیین گردید. اما در سال ۲۰۰۶ ، «اینستاو» یا «شبکه بین المللی معماری و شهرسازی سنتی» پیشنهادی را مبنی بر «بازنگری منشور ونیز» مطرح ساخت که در آن برای نخستین بار به تبیین سنت و مدرنیته در مداخله در بافت های تاریخی و فرهنگی پرداخته شد. طبق نظر اینستاو ، منشور ونیز تاثیر زیادی بر معماری و شهرسازی «سنتی» در سراسر جهان داشته است. اما پرسش اینجا بود که « آیا این منظور می تواند در قرن بیست و یکم نیز مورد استفاده ای داشته باشد؟» پاسخ اینستاو به این پرسش منفی است و دیدگاه منشور ونیز را متأثر از شرایط حاکم بر دوران صدورش می داند که تحت تاثیر دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده است. در واقع طی دهه ۱۹۵۰ میلادی ، «غرب» برای اشاعه «مدرنیسم» و ایجاد تباینی آشکار با «شوروی سابق» که واقع گرایی اجتماعی و معمار یسنی را ارج می نهادند ، اقدام به تاسیس نهادهای فرهنگی

در تمام دنیا نمود. هدف از این اقدام بازنمایی مدرنیسم به عنوان شیوه ای مردم سالارانه و آزاد بود و به این ترتیب ، مدرنیسم در مقابل هنر سنتی که «واپس گرا» تلقی می شد ، قرار گرفت. در مقابل اینستاو به دنبال گسترش نوعی نگاه تکثرگرایانه ای است که در آن ، تداوم فرهنگی ، سنت ها و خاطره های جمعی ، بر نظر منشور ونیز مبنی بر مواجهه با بناها به عنوان «اسناد تاریخی» ، تفوق داشته باشد. از این رو در پی تدوین منشوری جدید با موضوع «معماری و شهرسازی سنتی در بافت های تاریخی» بوده است. اصول پیشنهادی این منشور بدین قرار است :

جلوگیری از مداخله های مدرنیستی در ساختارهای تاریخی و سنتی ، گذار از حفاظت منفعل (بناهای تاریخی به مثابه اسناد خدشه ناپذیر) به مرمت و حفاظت فعال ، تاکید بر برداشت های بومی و محلی از میراث و اهمیت به طرح های درون زا ، تکثرگرایی و اهمیت دادن به تداوم فرهنگی ، سنت ها و خاطره های جمعی و در نهایت بازآفرینی و به روز رسانی معماری و شهرسازی «سنتی». (لطفی ، ۱۳۹۰ : ۲۳۵) از این رو میتوان خلق اثر مدرن را در فرآیند مرمت و حفاظت شهری یا به تعبیر ادبیات نوین بازآفرینی ، نوزایی شهری ، محدود به عملکرد های نوین در انطباق با کالبد سنتی دانست. نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت است از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش های فرهنگی و بهره گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها. «نوگرایی» به معنای توجه به پویایی و تصفیه و تکامل مداوم فرهنگ جامعه می باشد. نوگرایی به دستاوردهای علمی و فنی دیگران به عنوان وسیله و ابزاری برای تحصیل آرمان ها و اهداف انسانی منبعث از باورها و فرهنگ ملی می نگرد ، و نه به عنوان عامل تشخیص و برتری آرزوی تحصیل آن به عنوان هویتی که بدون آن جامعه به حقارت مبتلا باشد، هویتی که رهیویی در راه وصول به آن نتیجه ای جز تمایل به تشبه به صاحب فن اصلی و ظهور جلوه ای کاذب و بدلی که جامعه نیز به خوبی از آن آگاه بوده و آن را از خود نداند ، نخواهد شد. علاوه بر آن توجه به سنت به معنای تکرار و تقلید هر آنچه که از گذشته است نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکاملند ، متمرکز خواهد بود. به عبارت دیگر اصولا سنت به معنای ارجاع به گذشته و مخالفت با تفکرات و آراء نو نمی باشد. بلکه سنت دقیقا به معنای روش زیست ، نگرش به جهان هستی و مبنای فعالیت های جامعه معتقد به آن می باشد.

مدرن شدن فرایندی بی بازگشت است. تحولات فضا و تولید آن در ایران صد سال گذشته نیز سیری بی بازگشت و در راستای کنار زدن سنت ها بوده است. اگر ابتدا این تحول با خواست افراد بالادستی بود که با دنیای خارج ارتباط داشتند، امروز این جریان پدیده ای همه گیر است که با گسترش ارتباطات همه جانبه جوامع از سرعت بیشتری برخوردار می شود. فرایندی که بر زندگی هر روزه جامعه و سویه های مختلف آن، از جمله فرهنگ و مناسبات اجتماعی مردم تاثیر گذاشته و با تغییراتی که پدید می آورد سبب خلق نیازهای جدید می شود؛ بدین ترتیب چرخه ای میان تولید فضا و پیدایش

ماخذ: لطفی، ۱۳۹۰: ۲۴۰

بازآفرینی یک شهر، برآیند تعامل بسیاری از عوامل تاثیرگذار است و نیز مهم تر از آن، پاسخی به فرصت ها و چالش های بوجود آمده از زوال آن شهر در مکان خاص و در لحظه خاصی از زمان است (رابرت و سایک، ۱۳۹۳: ۵). خاستگاه تلاش هایی که برای شناخت و رفع مشکلات شهری منجر به بروز رویکرد بازآفرینی شده است تغییرات در وضعیت کالبدی و بازخوردهای اجتماعی آن بوده است که شامل سلامت و مسکن شهری، رفاه اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و کنترل رشد شهرهاست. بدین ترتیب می توان چنین تعبیر نمود بازآفرینی نیاز دائمی به جایگزینی کالبدی عناصر بافت شهری را با اهمیت به زیربنای شکوفای اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی، بهترین استفاده ممکن از اراضی شهری و اجتناب از پراکنده رویی و از همه مهم تر آگاه سازی نسبت به این مساله که نوع سیاست های اعمال شده در هر مکان، نشان دهنده هنجارها و قدرت های غالب سیاسی روز آن مکان می باشد، برآورده کرده است. باز آفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف عملیات است که در نهایت به یک پیشرفت پایدار اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید (همان، ۱۳۹۳: ۱۶) و به همین اعتبار از آن به بازآفرینی پایدار یاد می شود.

۳. نمونه موردی؛ بافت تاریخی شهر شیراز

بافت قدیم شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در مرکز شهر امروزی جای دارد. این محدوده که ۸/۲ درصد مساحت کل شهر را شامل می شود، هسته اولیه شکل گیری شهر شیراز است و طی دورانهای مختلف دستخوش تغییرات و مداخلات زیادی بوده است. محدوده این بافت دروازه ها و حصار دور شهر در دوره زندیه می باشد که در برگرنده مهمترین مراکز مذهبی شهر و قسمت عمده ای از بناها و مجموعه های با ارزش تاریخی است. وجود ۴۰۰ اثر با ارزش میراثی، ۸ دروازه، ۱۲ مرکز محله، ۴ بازار سنتی و مساجد و آرامگاه امامزادگان و چندین محور فرهنگی می تواند گویای ارزشهای نهفته، شیوه زندگی و روابط اجتماعی، آداب و رسوم، باورها، تاریخ و هنر و به طور کلی این تراکم ارزشها، بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی دوران تکوین و شکل گیری این محدوده می باشد. علیرغم اینکه بافت و شالوده کهن شهر شیراز همخوان با ارزش های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن است، سیاست های منسجم و جامع مداخله در این بافت به شدت مورد غفلت قرار گرفته است. اقدامات پراکنده صورت گرفته در این بافت طی دهه های اخیر به هیچ وجه در خور نقش، اهمیت و جایگاه در توسعه شهری نبوده است. تجربیاتی که فاقد مبانی نظری و فرآیند علمی در سیاستگذاری و برنامه ریزی بوده اند و حاصل تصمیم های شتابزده و یک شبه مدیران «سیاسی» و نه «شهری» پدید آمده اند. مجموعه پروژه های اجرا شده در محدوده تاریخی شهر شیراز شامل: توسعه بین الحرمین، بهسازی و نوسازی پیرامون مدرسه خان، احیای مجموعه تاریخی - فرهنگی زندیه و طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه بوده است. طرح هایی که مهری است بر پایان «اصل حکمت بعنوان جوهره اساسی

نیازهای تازه پدید می آید، که به طور مداوم در حال گردش بوده و سبب بازتولید فضا و نیازها می شود. در صورتی که عرضه تلفیق توالی تاریخی بناها با مقیاس فضا مدنظر باشد، با توجه به اینکه «در یک واحد مکانی دو محتوای متفاوت نمی گنجد» ناچار باید اشیا را از لحاظ فضایی پهلو به پهلو هم قرار داد. روان، مانند فضای خیال می تواند آشتی ناپذیرها را بر هم منطبق سازد، مانعاً الجمعها را در هم آمیزد، علیت را استعلا بخشد و منجر به شکل گیری خاطره مکان در ذهن گردد. اعتقاد به چنین همنشینی در چیدمان اجزای فضاهای شهری است که راهبردی بینابینی می طلبد تا با استناد به آن بتوان به خلق مکان واجد معنا و کارآمد در روزگار معاصر دست یافت.

۳.۲. تبیین مفهوم باز آفرینی شهری پایدار

امروزه شاید بتوان گفت که مصطلح ترین واژه ای که بار معنایی آن، بیانگر جریان پایای «مرمت و حفاظت شهری» است، همان «بازآفرینی» می باشد و در کنار تاویلی که برای مفهوم «نوزایی» در شهرهایی مثل لندن وجود داشته است، «بازآفرینی» است که هنوز بار انجام وظایف مرمت کالبدی - محتوایی شهر را به دوش می کشد. طبق آخرین تعاریفی که برای «بازآفرینی شهری» در منابع انگلیسی مطرح شده است، بازآفرینی به معنای فعالیتی است که منجر به حل مشکلات «محدوده های رو به زوال» شهرها می شود. (REDSPT, 2005) «بازآفرینی» هرگونه حرکتی را در راه مبارزه با کهنگی و ناکارآمدی شهرها شامل می شود و تلاشی است برای بهبود شرایط اجتماعی و محیطی؛ در این راه، هر اقدامی در راستای توسعه، توسعه مجدد و ارتقاء می تواند مطرح باشد. (Hull City Plan, 2000)

با توجه به ماهیت و فراگیر بودن مفهوم «بازآفرینی»، ترجمان «حفاظت و بازآفرینی شهری»، بازتاب درستی از محتوای فرآیند «مرمت و حفاظت شهری» معاصر ارائه می دهد. «بازآفرینی» به مثابه فرآیندی تعاملی، یکپارچه و فراگیر، مجموعه فرآیندهای پیش از خود را در برگرفته و ابزار نیرومندی را در مواجهه با شهر به دست می دهد.

جدول شماره ۱: واژگان پایه ای «مرمت و حفاظت شهری»

«مرمت و حفاظت شهری معاصر» یا «حفاظت و باز آفرینی شهری» Urban Conservation and Regeneration		
بازسازی Urban Reconstruction	نوسازی Urban Renewal (Renovation)	بازآفرینی - نوزایی Renaissance- Regeneration
تخریب Demolition پاکسازی Clearance دوباره سازی Rebuilding	تجدید حیات Revitalization توانبخشی Rehabilita tion توسعه مجدد Redevelopment	بهبودی Improvement حفاظت - مراقبت Preservation احیاء Restoration نگهداری Maintenance معرفی - یکپارچه سازی Integration تعمیر Repair بازپیرایی Refurbishment تطبیق Adaptation بازیافت Recycling حمایت Protection

تعریف شهر و معماری اسلامی-ایرانی» (مهدوی نژاد ، ۱۳۸۳) . پروژه بین الحرمین با تخریب گسترده «هرآنچه که هست» و ساختن از نو با هدف تامین نیازهای زوار حرم مطهر شاهچراغ (ع) و سید علاءالدین حسین (ع) دو محله با هویت شهر را به تمامی از بین برد و تمامی آثار تاریخی و واجد ارزش میراث را از سر راه توسعه محو کرد. در پروژه مدرسه خان ، اولویت بقا با بناهای بارزش میراثی بود و غیر آن نابود شد و هرآنچه پس از آن سر بر آورد با هویت مدرن خود بعنوان وصله های ناجور در فضا نشستند. در پروژه سوم که در محله مسکونی اجرا شد بدون در نظر گرفتن نیازهای ساکنان به دسترسی مناسب و تامین خدمات زیربنایی و روبرنایی شهری ، صرفاً با کفسازی و بدنه سازی مسیر پیاده سنگ سیاه به تعریف برخی بناهای بارزش مذهبی ، تاریخی و فرهنگی پهنه پرداخته شد که به دلیل عدم توجه به آسیب های اجتماعی فراگیر موجود در محله علیرغم حضور عملکردهای نوین در قالب کالدهای سنتی موجود ، تاکنون رضایت ساکنان و گردشگران تامین نگردیده است. در ادامه با بررسی ویژگی های کلی پروژه های مذکور به تحلیل نقاط ضعف و قوت پرداخته شده است و در نهایت به بازتعریف مولفه های رویکرد سنت گرا و مدرن گرا در مداخلات در بافت های تاریخی و مساله دار شهری پرداخته شده است.

۱.۳. شناخت مولفه های پایداری بافت اریخی شیراز طی قرون متمادی

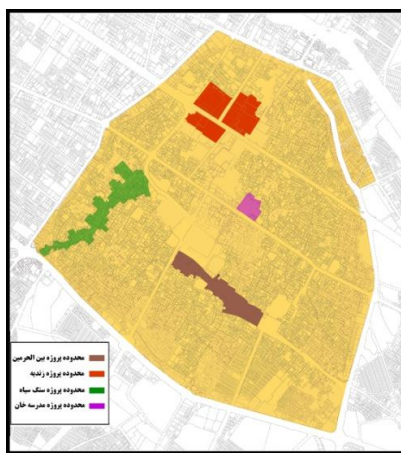
با بررسی کالبدی و عملکردی بافت تاریخی شهر شیراز و با مقایسه آن با اصول حاکم بر مفهوم پایداری چنین برداشت می گردد تا پیش از بروز مساله دسترسی بوسیله ماشین، پهنه مذکور واجد مولفه های کیفیت زندگی بوده است و شاهد این مدعا دوام و پایداری کالبد و عملکرد آن طی قرون متمادی است. بدین ترتیب میتوان دلایل پایداری آن را چنین برشمرد: نزدیکی محل کار و سکونت افراد، عدالت فضایی در توزیع تاسیسات شهری، وجود سلسله مراتبی از خدمات در مقیاس کوی، محله و شهر ، وجود حس تعلق به مکان در میان ساکنان، درهم تنیدگی عملکردهای مذهبی و مسکونی، همسازی با اقلیم در معماری و شهرسازی، همبستگی اجتماعی، اهمیت مجاورت با حرم شاهچراغ و سید علاءالدین حسین، مشارکت مردم در توسعه محله به لحاظ بر خورداری از خدمات و به تبع آن مسئولیت پذیری در برابر محیط مسکونی، امنیت موجود در بافت به دلیل وجود نظارت اجتماعی ، خوانایی بافت و شکل گیری تدریجی آن در گذر زمان و همزمان پاسخگویی به نیازهای روز ساکنان. اما با ورود ماشین به عرصه زندگی شهری و فاصله محل کار از سکونت، به صورت تدریجی بافت تاریخی مذکور ناکارآمد تلقی شد و از سکنه خالی. امروز این بافت مورد مداخله و هجوم اقداماتی است که تحت تاثیر تفکر مدرنیته قرن بیستم ، به تخریب و بازسازی های گسترده می پردازد. این در حال یاست که امروزه متاثر از اندیشه گدس، اساساً شهرها باید تحت نگهداری قرار گیرند و در آنها زندگی شود؛ نه اینکه تخریب شوند تا در آنها رانندگی شود و مورد سوداگری قرار گیرند. (رادول، ۱۳۹۳ : ۳۸)



شکل ۲: موقعیت بافت تاریخی در شهر شیراز

۳.۲. مقایسه طرح های مداخله در بافت تاریخی و مساله دار شهر شیراز

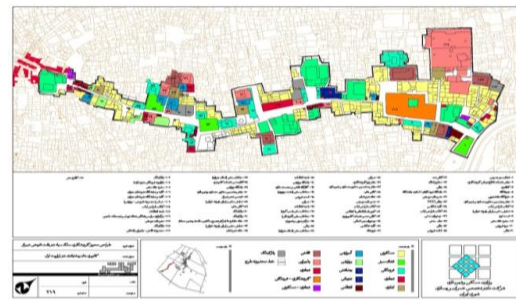
با مرور بیانیه ها و منشورهای بین المللی «مرمت و حفاظت شهری» همراه با دمیدن «روح زمانه» به مفاهیم مرتبط با موضوع، نحوه نگرش به خلق اثر جدید ، از مستندات منشور ایکوموس در شهر بورا در باب مرمت و حفاظت مکان های واجد ارزش تاریخی در سال ۱۹۹۹ که بند ۲۲ آن، افزودن اثر جدید به «مکان» را در صورتی که ارزش آن را تحت الشعاع قرار ندهد جایز دانست و همچنین این اصل را ارائه کرد که «اثر جدید باید قابل تشخیص باشد» اینک جدید است و به بافت موجود اضافه شده» [(لطفی ، ۱۳۹۰ : ۲۰۴) به دیدگاه ارائه شده در بند ۱ اظهارنامه بیت المقدس رهنمون می شود که در کارگاه بین المللی شیوه های نوین «مرمت و حفاظت شهری» چنین اظهار داشته است که «مفهوم اصالت و یکی بودن می باید در هرگونه از ساخت و سازهای جدید رعایت شود» (همان : ۲۲۵). همچنین با مرور سیر تحول نظریات مداخله در بافت تاریخی چنین استنباط می گردد که دو دیدگاه اساسی «مشارکت دادن مردم محلی» در فرآیند طراحی و اجرای پروژه های مداخله در بافت های تاریخی و «توسعه گردشگری» ، از جمله مسایلی است که با گذشت زمان جزء لاینفک اهداف و ابزار مداخله گردیده اند.



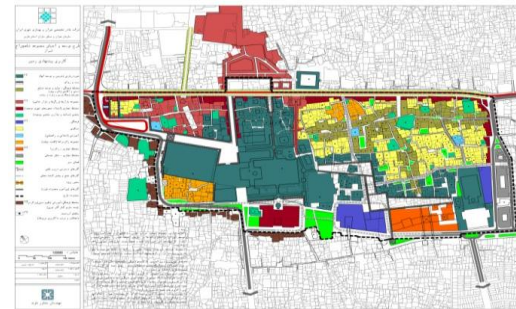
شکل ۳: موقعیت پروژه های مداخله در بافت تاریخی شیراز

با بررسی پروژه های مداخله در بافت تاریخی شهر شیراز به ترتیب توالی زمانی وقوع هریک ، توجه به این دو رویکرد - حتی به قدر ناچیز- مشاهده می گردد. هرچند این چرخش در تصمیم گیری حاصل کمبود اعتبارات دولتی در رویکرد قدیمی تملک، تخریب و بازسازی بوده است و نه حاصل دیدگاهی برآمده از تجزیه و تحلیل دانش به روز جهانی در زمینه مداخله در بافت های باارزش شهری. اما به هر روی نتیجه به سمت کسب درآمد پایدار برای مدیریت شهری از طریق توسعه گردشگری و مداخله مردم و جلب حداکثری این مشارکت با هدف کاهش هزینه های دولتی در فرآیند حفاظت از میراث تاریخی شهرها رهنمون گردیده است.

با بررسی اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۴ ، مشاهده می گردد که دیدگاه های مدرنیستی در «تقابل» با بافت تاریخی شهر در دهه ۷۰ تبدیل به رویکردی بینابینی در دیالکتیک سنت و مدرنیته در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ گردیده است. در این فراشد ، امر مدرن از کلیت یکپارچه از نو ساخته شده (کالبد و عملکرد به همراه معنای جدید) به نو گرایی در تعریف عملکرد های جدید در «انطباق» با معنای «مکان» تغییر کرده است. در این تطور تاریخی مقیاس پروژه ها از بسیار بزرگ و دولتی به سمت پروژه های کوچک مقیاس ، بعضا اجرای پروژه های محرک توسعه و مشارکتی با بخش خصوصی تغییر یافته است. همچنین با بررسی نوع مداخله در بافت می توان از مداخله صرفا کالبدی در پروژه بین الحرمین به مداخلات کالبدی توامان با محتوایی در سه پروژه دیگر رسید که حد اعلاى آن در طراحی مجموعه زندیه مشاهده می گردد.



شکل ۴ : طرح پیشنهادی گذر سنگ سیاه



شکل ۵ : طرح پیشنهادی توسعه بین الحرمین شکل



۶ : طرح پیشنهادی بهسازی و نوسازی پروژه زندیه

جدول شماره ۴ : مقایسه پروژه های مداخله در بافت تاریخی شیراز

عنوان پروژه	زمان شروع	هدف	متولی طرح	درصد پیشرفت تاکنون	ابزار مداخله	نوع مداخله	نقاط ضعف	نقاط قوت
طرح توسعه حرمین شاهچراغ (ع) و سید علاءالدین حسین (ع) (موسوم به توسعه بین الحرمین)	۱۳۷۷-۷۸	بازگشایی معبر مابین دو حرم مطهر نوسازی بافت تاریخی و مساله دار پیرامون حرم شاهچراغ توسعه گردشگری مذهبی ایجاد منابع درآمدی پایدار برای شهرداری شیراز	شهرداری شیراز	۸۵ درصد	* تملک * تخریب * بازسازی	کالبدی	* هزینه بالای تملک * مقاومت شدید ساکنان و نارضایتی از قیمت پرداخت شده ابنیه * زمان زیاد اجرای پروژه به دلیل وسعت زیاد * ایجاد کاربری های تجاری متعدد به جای تراکم (به دلیل محدودیت	* نوسازی حدود ۸ هکتار از بافت فرسوده * شناخت محدودیت ها و امکانات پروژه های نوسازی و بهسازی بعنوان تجربه ای ارزشمند * تسهیل دسترسی زائران حرمین مطهر

	ارتفاعی (بعنوان مولد ارزش افزوده * تخریب دو محله قدیمی شهر * تخریب بناهای بارزش میراثی							
* حفظ بناهای بارزش تاریخی * عدم تجاوز از ارتفاع مدرسه خان * نوسازی سه و نیم هکتار از محدوده فرسوده شهر * شاخص نمودن بنای مدرسه خان * ایجاد فضای شهری سرزنده و پویا در پیرامون مدرسه	* مدت زمان بالای اجرای پروژه به دلیل هزینه بالای تملک * عدم دیدگاه اجتماع محور	کالبد ی محتوا بی	* تملک * تخریب * بازسازی * مرمت ابنیه بارزش تاریخی	۴۰ درصد	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به میزان ۲۰ درصد و سرمایه گذار خصوصی (شرکت عمران و توسعه) به میزان ۸۰ درصد	نوسازی و بهسازی بافت تاریخی با هدف شاخص نمودن بنای مدرسه خان	۱۳۷۷- ۷۸	طرح بهسازی و نوسازی پیرامون مدرسه خان
* مرمت خانه های میراثی پیرامون گذر(خانه های خاتم، سعادت ، ضیاییان ، مسجد مشیر ، بازارچه ارامنه ، آرامگاه سیبویه ، آرامگاه بی بی دختران) * احیای عملکردی بافت * لحاظ نمودن دیدگاه های ساکنان در فرآیند طراحی	* اجرای بخش کالبدی طرح * تبدیل گذر به معبر عبوری * عدم دسترسی مناسب ساکنان به معابر فرعی گذر	کالبد ی - محتوا بی	* مرمت آثار بارزش تاریخی * حفظ هویت تاریخی فرهنگی محله * نگهداری * بهسازی عملکردی	۵۰ درصد	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران	* مرمت آثار تاریخی و حفظ هویت تاریخی محدوده * توسعه گردشگری * تسهیل دسترسی ساکنان بافت	۱۳۸۳- ۸۴	طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه
* بهره مندی از تیم های تخصصی و آکادمیک در فرآیند طراحی و چشم انداز سازی * اولویت اهداف طرح به احیای هویت فرهنگی بافت * مشارکت نهادهای دولتی و خصوصی در فرآیند اجرای طرح * رعایت کلیه حرایم میراثی * احترام به اصل پیوستگی فضایی در طراحی	* عدم مشارکت مردمی در فرآیند طراحی و اجرا	کالبد ی - محتوا بی	* بهسازی * نوسازی * تخریب * تملک * بازسازی * مرمت ابنیه بارزش تاریخی * نگهداری و حفاظت	۱۰ درصد	شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران ، شهرداری شیراز و اداره میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری فارس	نوسازی و بهسازی بافت تاریخی با هدف شاخص نمودن بناهای بارزش دوره زندیه و قاجاریه و احیاء میدان توپخانه و تعریف کاربری تجاری، خدماتی ، فرهنگی ، توریستی	۱۳۹۲	طرح بهسازی و نوسازی مجموعه تاریخ زندیه

۴. یافته های پژوهش

صورت نگرفته است. همچنین در خصوص توسعه متوازن شاخص بر خورداری از خدمات هم برای ساکنان همجوار پروژه ها و هم مخاطبان فضاهای ایجاد شده اعم از گردشگران و بازدیدکننده ها، در نظر گرفته شده است که بر این اساس تنها دو پروژه بین الحرمین

نقطه مشترک کلیه پروژه های مداخله در بافت تاریخی شهر شیراز ، بی توجهی محض به اصول توسعه پایدار بوده است که در هیچ کجای طرح ها و برنامه های تهیه شده کمترین اشاره ای به آن

به لحاظ وسعت و پروژه احیای محور سنگ سیاه به لحاظ اختلاط کاربری ها و توجه به سکونت در محله ، واجد توازن می باشند. در خصوص حفظ میراث در فرآیند اقدامات نیز تنها توسعه بین الحرمین بدون توجه به این مقوله برنامه ریزی و اجرا گردیده است. معیار بعدی در تحلیل اقدامات مذکور ارتقا کیفیت محیط شهری است که به صورت عام با تغییراتی که پروژه ها در بافت کهن و پر مساله شهر شیراز صورت داده اند منجر به ارتقای کیفیت محیط گشته اند اما در جزئیات موضوع عدم توجه به برخی مسائل نظیر حل معضل دسترسی ، سازگاری با همجواری ها ، تاثیر بر بافت

پیرامون و ... تقریباً ناموفق عمل کرده اند. در نهایت به لحاظ میزان آسیب به بافت اجتماعی ساکن در محدوده پروژه ، تنها طرح احیای گذر تاریخی سنگ سیاه به لحاظ رویکرد محله محوری طرح ، با در نظر گرفتن نیازهای مردم طراحی و اجرا شده است. با توجه به آنچه در پژوهش حاضر تبیین و بررسی گردیده است، در ادامه، نحوه ارتباط سنت و مدرنیته در مجموعه اقدامات و مداخلات صورت گرفته طی دهه های اخیر در بافت تاریخی شیراز مشخص گردیده است و توانایی خلق مکان با معنا را در هریک سنجدیده شده است.

جدول شماره ۵: تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت تاریخی شهر شیراز به لحاظ میزان مطابقت با راهبردهای بازآفرینی شهری

پروژه های مرمت و حفاظت شهری در شیراز	پروژه توسعه بین الحرمین	پروژه مدرسه خان	طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه	پروژه زندیه (احیای میدان توپخانه)
پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری
توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن	دارای توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن
حفاظت از میراث	تخریب بافت کهن و ساخت بافتی نوین	حفظ و مرمت میراث	حفاظت از میراث	بازسازی میراث تخریب شده
ارتقاء کیفیت محیط شهری	ایجاد کیفیت محیطی در گستره طرح در تضاد با شرایط همجواری ها	ایجاد کیفیت محیطی درون فضاهای طرح بدون تضاد با وضعیت ناسامان پیرامون و عدم دسترسی مناسب	ارتقا کیفیت محیط شهری	ارتقا کیفیت محیط شهری
جلوگی از صدمات اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به بافت اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به بافت اجتماعی	بدون آسیب به بافت اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به بافت اجتماعی

ماخذ: نگارنده

با توجه به تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت قدیم شهر شیراز که در جداول شماره ۶ ارائه گردیده است، به لحاظ نحوه رویارویی سنت با مدرنیته در شهری با کالبد دارای هویت و عملکرد ناکارآمد، چنین دریافت می شود که پروژه های بزرگ مقیاس بین الحرمین ، زندیه و مدرسه خان به دنبال خلق کارکردهای مدرن و از صرف نظر از پروژه زندیه، در این رهگذر کالبد هم مدرن طراحی شده است. از این رو می توان ادعا کرد هیچ گونه حفاظت یا مرمت از کلیت یکپارچه بافتی که روزگاری همجوار ارگ کریمخان یا مدرس

ملاصدرا و یا حتی پیرامون شاهچراغ شکل گرفته است، دغدغه هیچ کدام از طرح های مذکور نبوده است. نهایتاً به لحاظ خلق مکان با معنا، در پروژه های بین الحرمین و مدرسه خان ، حاصل مکانی است که در هر نقطه از جهان قابل اجراست لذا فاقد معنا می باشد. همانگونه که در تحلیل های ارائه شده در جدول مشاهده می گردد، توجه به بستر مداخله تنها در طراحی شهری محور سنگ سیاه مورد توجه طراح قرار گرفته است.

جدول شماره ۶: تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت تاریخی شیراز به لحاظ نحوه رویارویی سنت با مدرنیته

پروژه های مرمت و حفاظت شهری در شیراز	ارتباط بین سنت و مدرنیته	راهبرد کلی مداخله	توجه به بستر مداخلات و اقدامات	میزان موفقیت در خلق مکان با معنا
پروژه توسعه بین الحرمین	دارای کارکرد مدرن دارای کالبد مدرن	غلبه نوگرایی بر هرآنچه سنت نامیده می شود	بدون توجه به بستر طرح	حاصل ، مکانی است که بی توجه به شرایط قرارگیری در هر نقطه از جهان قابل اجراست، لذا فاقد معناست.
پروژه مدرسه خان	دارای کارکرد مدرن	تخریب و بازسازی و مرمت تک بنا	در عین احترام به مدرسه تاریخی خان و ۴ منزل میراثی موجود در	حاصل ، مکانی است که بی توجه به شرایط قرارگیری در

هر نقطه از جهان قابل اجراست، لذا فاقد معناست.	طرح ، کوچکترین اثری از بناها و کارکردهای تاریخی موجود در طرح جدید دیده نمی شود.		دارای کالبد مدرن همجوار ابنیه حفاظت شده سنتی	
موفق در خلق مکان با معنا به زعم مخاطبان مکان	توجه کامل به بستر مداخله	بهسازی عملکردی	همنشینی کارکردهای مدرن و سنتی دارای کالبد سنتی	طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه
اساسا پروژه با هدف خلق مکان با معنا طراحی گردیده و در حال اجراست.	توجه نسبی به بستر مداخله بعنوان قلب فرهنگی و تاریخی شهر شیراز	تخریب و بازسازی و مرمت تک بنا	همنشینی کارکردهای مدرن و سنتی احیای کالبد سنتی	پروژه زندیه (احیای میدان توپخانه)

۵. نتیجه گیری

* نقض میراث ضد شهری و بازتعریف شهر به گونه ای مرتبط با شهروندان بعنوان مکانی که در آن زندگی، خرید و بازی کنند؛
 * پذیرفتن شیوه مدیریت منابع که براساس آن ارزش های مربوط به منابع فرهنگی و مصالح همانند بازوهای حمایتی دو جانبه عمل کنند؛
 * ثبت تدریجی شهرهای تاریخ موجود برای یک آینده پایدار، شناسایی و حفاظت از تمامی ارزش های فرهنگی ملموس و ناملموس؛
 * بازتعریف و پرداختن به چالش حفاظت شهری و لحاظ کردن حفاظت بعنوان عاملی تعیین کننده در توسعه پایدار.

فهرست منابع

- [۱] حبیبی ، سید محسن (۱۳۷۳) الف، نخستین پژواک مدرنیته در ایران، مجله گفتگو، شماره ۳ ، تهران.
- [۲] حبیبی ، سید محسن (۱۳۷۳) ب، دومین پژواک مدرنیته در ایران ، مجله گفتگو ، شماره ۵ ، تهران.
- [۳] حبیبی، سید محسن (۱۳۸۶)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۴] داوری اردکانی ، رضا (۱۳۸۴) ، رساله ای در باب سنت و تجدد ، انتشارات ساقی ، تهران.
- [۵] داوری اردکانی ، رضا (۱۳۹۱) ، ما و راه دشوار تجدد؛ به ضمیمه، رساله در باب سنت و تجدد، انتشارات رستا ، تهران.
- [۶] رادول، دنیس (۱۳۹۳)، حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی، ترجمه پیروز حناچی و یلدا شاه تیموری ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۷] رابرتز، پیتر ؛ سایک ، هیو (۱۳۹۳) ، بازآفرینی شهری، ترجمه محمد سعید ایزدی و پیروز حناچی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۸] شایگان ، داریوش (۱۳۷۲) ، در جستجوی فضاهای گمشده ، مجله نامه فرهنگ ، سال سوم ، شماره ۹ ، تهران.
- [۹] لطفی، سهند (۱۳۹۰) ، تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی ، انتشارات آذرخش، تهران.

[10] Hull city Plan , <http://www.hullcc.gov.uk>

[11] REDSPT (Regeneration and economic development Spatial Policy Team) Regeneration Jargon Buster , <http://www.wakefield.gov.uk>

بازآفرینی شهری و نوزایی شهری به ابزاری برای جامعه عمل پوشاندن به راهبردهای «پایداری» ، «توسعه متوازن» ، «حفاظت از میراث» ، «ارتقاء کیفیت محیط شهری» و «جلوگیری از صدمات اجتماعی» تبدیل شده است که می توان از آن بعنوان پرهیز از خلق جزایر نوسازی در دریای زوال یاد کرد.. در این فرآیند بازتعریف شهر تاثیر پذیری از فرهنگ را می توان به تعبیری غلبه نوگرایی بر سنت دانست که هم ارز مفهوم برون زایی است و تاثیر گذاری بر آن را می توان غلبه سنت بر نوگرایی استنباط کرد که همانا مصداق درون زایی را به ذهن متبادر می کند. وقوع امر دومین است که خلق مکان را در شهر موجب خواهد شد. مکانی که معنا دارد و این همانی پدید خواهد آورد. از این رو میتوان خلق اثر مدرن را در فرآیند مرمت و حفاظت شهری یا به تعبیر ادبیات نوین بازآفرینی ، نوزایی شهری ، محدود به عملکرد های نوین در انطباق با کالبد سنتی دانست. نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت است از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش های فرهنگی و بهره گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها . «نوگرایی» به معنای توجه به پویایی و تصفیه و تکامل مداوم فرهنگ جامعه می باشد. نوگرایی به دستاوردهای علمی و فنی دیگران به عنوان وسیله و ابزاری برای تحصیل آرمان ها و اهداف انسانی منبعث از باورها و فرهنگ ملی می نگرد ، و نه به عنوان عامل تشخیص و برتری آرزوی تحصیل آن به عنوان هویتی که بدون آن جامعه به حقارت مبتلا باشد، هویتی که رهپویی در راه وصول به آن نتیجه ای جز تمایل به تشبیه به صاحب فن اصلی و ظهور جلوه ای کاذب و بدلی که جامعه نیز به خوبی از آن آگاه بوده و آن را از خود نداند ، نخواهد شد. علاوه بر آن توجه به سنت به معنای تکرار و تقلید هر آنچه که از گذشته است نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکاملند ، متمرکز خواهد بود. به عبارت دیگر اصولا سنت به معنای ارجاع به گذشته و مخالفت با تفکرات و آراء نو نمی باشد. بلکه سنت دقیقا به معنای روش زیست ، نگرش به جهان هستی و مبنای فعالیت های جامعه معتقد به آن می باشد. بدین ترتیب راهکارهایی چند در فرآیند مداخله در بافت های تاریخی با رویکرد فوق ارئه می گردد: